

دلیل طبیعت آن می‌تواند دائماً یا معمولاً موضوع بازرسی قرار گیرد و هرگاه شرط خلافی وجود نداشته باشد به محض مطالبه باید پرداخت شود.<sup>۱</sup>

در سپرده خاص، وضع به گونه دیگری است. در سپرد خاص بانک تنها مسئولیت حفاظت از مال را می‌پذیرد بی‌آنکه اختیار بکار بردن آن را داشته باشد و سپرده‌گذار حق استرداد همان پول یا شئی سپرده شده را دارد. در این مورد حق مالکیت برای سپرده‌گذار باقی می‌ماند و اگر سپرده پول باشد، بانک حق مخلوط کردن آن را با پولهای دیگر خود ندارد. رابطه‌ای که به وجود می‌آید مانند ودیعه‌گذار و مستودع است نه بستانکار و بدهکار. اگر سپرده برای هدف ویژه‌ای باشد، بانک با داشتن سمت مستودع متعهد است بعنوان نماینده سپرده‌گذار، وجوه سپرده را برای هدفی که تعیین شده است بکار برد. در سپرده‌گذاری خاص اگر بانک ورشکسته شود و این سپرده با دیگر پولهای بانک در آمیخته شده باشد، سپرده‌گذار دارای یک حق ممتاز نسبت به دیگر بستانکاران است.<sup>۲</sup>

#### نوشتار چهارم - ایرادات نظریه وکالت

با در نظر گرفتن اصول پذیرفته شده در سه سیستم پیشرفته در بانکداری جهانی، می‌توان گفت در سپرده‌گذاری عام که در بانکهای بازرگانی مانند بانکهای کشور ما رایج است، وجوه سپرده شده به ملکیت بانک درمی‌آید و بنابر این بانک هر تصرفی در سپرده‌ها می‌کند به عنوان اصیل است نه وکیل. وکالت دارای مفهوم نمایندگی است (ماده ۶۵۶ قانون مدنی) و وکیل ضرورتاً نسبت به اموال موکل اقدام می‌کند و در اینجا سپرده‌ها متعلق به بانک و در مالکیت اوست. این سپرده‌ها جنبه مشاع نداشته بلکه همگی سپرده‌ها در مالکیت بانک قرارداد و متعلق به شخصیت حقوقی بانک می‌باشد و فرض اشاعه در آنها راه ندارد.

افزون بر آن، فرض وکالت بانک از سپرده‌گذاران با قواعد حقوقی و فقهی مسلم ناسازگار است که از جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- در قرارداد وکالت، شخص موکل، حق نظارت و کنترل بر اقدامات وکیل را دارد و این حق تا هنگامی که رابطه وکالت باقی است ادامه دارد. این حق قابل اسقاط نیست و بنابر این وکیل موظف است بر خلاف راهنمایی‌های موکل کاری را انجام ندهد.<sup>۳</sup> و حال آنکه سپرده‌گذاران، هیچیک نه به تنهایی و نه گروهی و نه حتی همه آنان حق هیچ نظارت و کنترل و یا دخالتی در اقدامات و قراردادهای بانک با وام‌گیرندگان را ندارند. درست است که بانک در تنظیم قراردادهای وام از همین وجوه سپرده‌گذاران بهره برداری می‌کند ولی بانک قراردادهای خود را اصالتاً امضاء

1- American Jurisprudence, no. 444

2- American Jurisprudence, no. 446

۳- محمود کاشانی، قراردادهای ویژه، جزوه درسی، وکالت، برگ‌های ۱۱۸ و ۱۱۹

کرده و بمورد اجرا می‌گذارد.

۲- سپرده‌گذار، دارای قصد توکیل و دادن نمایندگی به بانک که یک مفهوم عرفی و روشن است نمی‌باشد. بنابر این وکالت مذکور در تبصره ماده ۳ جنبه قراردادی ندارد. حتی اگر به هنگام گشایش حساب، سپرده‌گذار نوشته یا فرم‌هایی را امضاء کند که در آن متن تبصره مزبور به کار رفته باشد، چنین وکالتی با قصد واقعی سپرده‌گذار و بانک منطبق نیست. عقد تابع قصد است و قانونگذار حق تحمیل قرارداد وکالت را به اشخاص ندارد. چنین وکالتی، با مواد ۶۵۶ و ۶۵۸ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادهای ناسازگار است.<sup>۱</sup>

۳- بر عکس، سپرده‌گذار چه به هنگام گشودن حساب و چه واریز وجوه نقدی خود به حساب، بانکدار را طرف اصلی و اصیل در قرارداد تلقی می‌کند و بانک را متعهد در قبال خود می‌داند و نه نماینده خود. سپرده‌گذار هیچیک از تعهداتی را که بانک در برابر اشخاص دیگر می‌کند نمی‌پذیرد و این بر خلاف نص ماده ۶۷۴ قانون مدنی است که موکل باید تعهداتی را که وکیل پذیرفته است به مورد اجرا گذارد.

۴- بانک در اقدامات خود و قراردادهایی که با وام‌گیرندگان منعقد می‌کند، تکلیف حساب- پس دادن به سپرده‌گذاران را ندارد و حال آنکه بر طبق ماده ۶۶۸ قانون مدنی وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد. از سوی دیگر، تکلیف حساب پس دادن، از ویژگی‌های تصرف امانی است و بانک با قبول سپردن و تملک آنها دارای وصف امانت به معنی خاص کلمه نیست. بانک در این قراردادهای به حق، خود را اصیل می‌داند و نتایج این قراردادهای را برای خود منظور می‌نماید.

۵- در قراردادهای وام که میان بانک و وام‌گیرندگان بسته می‌شود، فرض اصیل بودن متعاملین (ماده ۱۹۶ قانون مدنی) اجرا می‌شود. وام‌گیرندگان، بانک را طرف واقعی در قرارداد وام می‌دانند نه سپرده‌گذاران را.

۱- با تصویب این قانون، بانکها برای پاسخگویی به مفاد تبصره ماده ۳ و تامین شرط وکالت بانک از سپرده‌گذاران و ادامه عملیات بازرگانی خود در زمینه پذیرش و گردآوری سپرده‌ها، ناگزیر از بکارگرفتن یک فرمول مبهم و گیج‌کننده در افتتاح حساب سپرده بلند مدت شده و آن را در قرارداد سپرده‌گذاری درج کرده‌اند. البته برای سپرده‌گذاران، همیشه تضمین اصل سپرده و گرفتن سود یا بهره مطرح است و بنابراین بی‌هیچ اشکالی این فرمها را که خللی به قصد واقعی آنان وارد نمی‌کند امضاء می‌کنند. متن این فرمول که برای نمونه در سال ۱۳۶۴ در فرمهای سپرده‌گذاری بانک ملی ایران بکار رفته است چنین است:

«بانک ملی ایران به وکالت از طرف سپرده‌گذار با داشتن حق توکیل، وجه این سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) بطور مشاع بکار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آئین‌نامه و مقررات مربوط با داشتن حق مصالحه منافع بین بانک و سپرده‌گذاران به تناسب مبلغ و مدت بکار گرفته شده تادیه خواهد نمود.»

۶- در موردی که سپرده‌گذار شخص حقیقی است، فوت یا عوارض اهلیت او تاثیری در قراردادهای بانک با وام‌گیرندگان ندارد. اگر بانک در قراردادهایی که با وام‌گیرندگان بسته است به وکالت از سوی سپرده‌گذاران عمل کرده باشد فوت هر یک از سپرده‌گذاران وکالت بانک را باطل می‌کند (ماده ۶۷۸ قانون مدنی) و تا تنفیذ ورثه، اقدامات بانک دچار اختلال می‌گردد. ولی آشکار است که فوت سپرده‌گذار یا عوارض اهلیت او هیچ اثری بر روند اقدامات بانک ندارد و این می‌رساند که بانک، اصیل در قراردادهای خود با وام‌گیرندگان است نه وکیل.

توصیف تبصره ماده ۳ از ماهیت حقوقی سپرده‌گذاری بانکی و تصریح به اینکه بانک وکیل در بکار گرفتن سپرده‌های مردم می‌باشد، غیر حقیقی و برخلاف یک واقعیت حقوقی آشکار است. هیچ قانونی نمی‌تواند واقعیت‌های قراردادی و روابطه موجود میان اشخاص را دگرگون ساخته و قلب واقعیت کند و یا آن را به میل خود مورد توصیف کاذب قرار دهد. این به سان آن است که عقد ازدواج به بیع توصیف شود. روشن است که اینگونه قانونگذاری هیچ سودی در بر ندارد و نمی‌تواند جایی هم برای خود میان مردم باز کند و در روابط قراردادی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ثمره اینگونه قانونگذاری آن است که رابطه قانون و جامعه قطع نمی‌شود و مردم به دنبال نیازهای خود و واقعیت‌ها به روابط قراردادی خود ادامه می‌دهند. چنین قانونی مهجور واقع می‌شود و یا هرگز به مرحله اجرا در نمی‌آید.

در مجموع، وکالت بانک از سپرده‌گذاران با در نظر گرفتن اصل تملک سپرده‌ها از سوی بانک که یک قاعده پذیرفته شده جهانی و یک واقعیت عملی است، بی‌معنی و غیر ممکن است. اکنون باید ببینیم، نویسندگان این قانون با پذیرش فکر وکالت چه روشی را در زمینه تضمین سپرده‌ها و شیوه پرداخت بهره در پیش گرفته‌اند.

### نوشتار پنجم - تضمین سپرده‌ها

اصل ثابت و روشن بانکداری امروزی این است که بانک تعهد بازپرداخت سپرده را دارد و موجودی سپرده‌گذار باید به محض مطالبه پرداخت شود. دلیل آن هم روشن است. هنگامی که مردم در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند خواسته مشروع آنان این است که سپرده آنان از هر گزندی مصون بماند و بانک تکلیف استرداد اصل سپرده را داشته باشد. کسانی که آماده پذیرش خطر هستند پول خود را در بانک نمی‌گذارند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در رشته‌های گوناگون صنعت، بازرگانی، کشاورزی و ساخت و ساز بکار می‌رود و مردم با هدف به دست آوردن سود، خطر زیان را هم می‌پذیرند. اکنون باید ببینیم این قانون با اصل تضمین سپرده‌ها که در نظام بانکی جهانی رعایت می‌شود چه برخوردی انجام داده است.

## ۱- سپرده جاری و پس انداز

صرفنظر از اینکه دادن عنوان قرض الحسنه به حساب جاری و پس انداز نادرست است ولی ماده ۴ تکلیف بانک به بازپرداخت اصل این سپرده‌ها را پذیرفته است. حساب جاری و پس انداز از نوع سپرده‌گذاری عام هستند و بانک بر طبق قرارداد وظیفه استرداد سپرده‌ها دارد. این تکلیف از قرارداد سپرده‌گذاری سرچشمه می‌گیرد و بی بهره بودن این حسابها تاثیری در تکلیف بازپرداخت بانک ندارد. حساب پس انداز نیز عموماً با بهره است و نمی‌توان آن را از نوع قرض بی بهره محسوب کرد.

افزون بر آن در حساب جاری بانک وظیفه دارد با ارائه چک، از موجودی صاحب حساب به اندازه مبلغ چک به دارنده پرداخت کند به شرط اینکه صادر کننده در حساب خود موجودی کافی داشته و این سپرده موضوع توقیف یا ادعائی نباشد.<sup>۱</sup> اگر بانک به گونه نامناسبی از پرداخت خودداری کند، سپرده‌گذار حق طرح دعوی علیه بانک برای هر زبانی که ممکن است به دلیل خودداری بانک از پرداخت متحمل شده باشد را دارد. مسئولیت بانک برای کوتاهی در پرداخت چک به دارنده آن می‌تواند از باب مسئولیت مدنی و یا قرارداد باشد.<sup>۲</sup> از سوی دیگر اقدام بانک به پرداخت موجودی صاحب حساب به دارنده چک، بر پایه سمت نمایندگی و وکالت از طرف صاحب حساب است.<sup>۳</sup> بنابر این مندرجات صدر ماده ۴ قانون مورد بحث در راستای یک اصل کلی قراردادی است که به موجب آن بانک باید اصل سپرده را تضمین نماید.

## ۲- سپرده مدت دار

قانون عملیات بانکی برای حذف عنوان بهره، بانک را وکیل سپرده‌گذاران دانسته است و اکنون با این پرسش روبروست که بانک با داشتن سمت وکیل چه مسئولیتی در بازپرداخت این نوع سپرده‌ها دارد. اگر سمت بانک حقیقه وکالت باشد بر پایه اصول فقهی و حقوقی، بانک امین سپرده‌گذاران است.<sup>۴</sup> و در صورتی که تقصیری در عملیات خود نکرده باشد و دچار زیان گردیده و یا ورشکسته شده و سپرده را از دست بدهد، مسئولیتی در برابر سپرده‌گذاران نخواهد داشت. هرگاه چنین قاعده‌ای که از پی آمدهای مسلم نظریه وکالت است در مورد بانکها اجرا می‌شد، مردم اعتماد خود را به بانکها از دست می‌دادند. بنابر این ماده ۴ در مورد این نوع سپرده‌ها از فکر وکالت عدول کرده است بانک را در وضعی قرارداده است که لزوماً متعهد به پرداخت اصل سپرده‌ها باشد.

1- American Jurisprudence, no. 537

2- American Jurisprudence, no. 537

3- Chitty on contracts, no. 2906

۴- شرایع الاسلام، وکالت، صفحه ۱۳۱ - المعنی، ج ۵، کتاب وکالت، ش ۳۷۰۶ - بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۶، کتاب وکالت، صفحه ۳۴

این ماده مقرر می‌دارد:

«... و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه نمایند.»

بانکها نیز در راستای رهنمود این ماده و نیز اصول کلی بانکداری، چه در سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و چه بلندمدت، تعهد استرداد اصل سپرده‌ها را در قراردادهای مربوط پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که نفس تعهد بانک به استرداد اصل سپرده با فکر وکالت ناسازگار است. فقها نیز مسئولیت وکیل را در زمینه تلف مال موکل، تنها در مورد تعدی و تفریط از سوی وکیل پذیرفته‌اند.<sup>۲</sup>

ماده ۵۵۹ قانون مدنی نیز در عقد مضاربه، شرط تحمیل زیان به مضارب (عامل) را که بر پایه موازین فقهی وکیل صاحب سرمایه است<sup>۳</sup> باطل دانسته است.<sup>۴</sup> بنابر این تعهد بانک به استرداد اصل سپرده‌ها را که در ذیل ماده ۴ پیشنهاد شده است باید بازگشت جدی از فکر وکالت دانست. دلیل آن هم روشن است. وکیل شمردن بانک به موجب تبصره ماده ۳، رها شدن بانک از بازپرداخت اصل سپرده‌ها را در پی دارد که با روح و هدف بانکداری ناسازگار است. اگر مردم احساس کنند سپرده‌های آنان نیست و بانک نسبت به استرداد آن مسئولیتی ندارد فوراً عکس‌العمل نشان می‌دهند و سپرده‌های خود را از بانکها بیرون می‌کشند و یا از سپرده‌گذاری بیشتر خودداری می‌کنند و همین امر نظام بانکی کشور ما را فلج خواهد کرد. بنابراین پیشنهاد متعهد شدن بانک به بازپرداخت اصل سپرده‌ها که در ماده ۴ مطرح شده کاملاً ضروری بوده است.

### ۳- اختیاری بودن تعهد بانک

ماده ۴ در زمینه بازپرداخت سپرده‌های مدت‌دار، عبارت «می‌توانند» را در مورد تعهد بانک بکار برده است. بنابر این از جهت نظری بانکها تکلیفی به بازپرداخت اینگونه سپرده‌ها ندارند. اگر چه سپرده‌گذاران بدون تعهد روشن از سوی بانک راضی به تسلیم مال خود به بانک نمی‌شوند و بانکها عموماً این تعهد را می‌پذیرند ولی شیوه برخورد ماده ۴ قابل انتقاد است. همانگونه که پیش

۱- برای نمونه در گواهی سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت، بانک ملی ایران تصریح شده است که: «بانک ملی ایران استرداد اصل این سپرده را تعهد می‌نماید.»

۲- مولف شرایع در این زمینه می‌گوید: «الوکیل امین لا یضمن ما تلف فی یده الامع التفریط او التعدی.» ص ۱۳۱

۳- مسالک الافهام، نقل از جواهرالکلام، کتاب مضاربه، صفحه ۴۶۱، مولف در زمینه سمت مضارب می‌گوید: «و فی تصرفه وکیل...» - جواهرالکلام، کتاب مضاربه، صفحه ۴۵۸ - فتح‌العزیز. شرح‌الوجیز، کتاب مضاربه، در بیان صفات متعاقدين می‌گوید: «ولا یشرط فیها الا ما یشرط فی الوکیل والموکل...» صفحه ۲۵ - المجموع شرح‌المهذب -

شرایع الاسلام، مضاربه، صفحه ۱۱۶

۴- بر طبق این ماده: «اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارت حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است...»

از این دیدیم در نظامهای بانکی فرانسه، انگلیس و آمریکا، رابطه بانک و سپرده‌گذار، رابطه بستانکار و بدهکار است و این یک اصل مسلم در نظام بانکداری جهانی است. بانک به محض دریافت سپرده و بموجب قرارداد، تعهد بازپرداخت سپرده را دارد. این تعهد از طبیعت و ذات قرارداد سپرده‌گذاری بر می‌خیزد. بانک موظف است زیان حاصل از دزدی، تلف شدن و یا کاهش ارزش قانونی سپرده را تحمل کند صرفنظر از آنکه مرتکب خطا و تقصیری شده یا نشده باشد.<sup>۱</sup> دعوی سپرده‌گذار علیه بانک ریشه در قرارداد دارد و نه مسئولیت مدنی هر چند بانک به اختلاس وجوه سپرده‌گذاران متهم گردیده باشد.<sup>۲</sup>

بنابر این در همه سپرده‌گذاری‌های بانکی خواه دیداری و یا مدت‌دار، بانک تعهد بازپرداخت اصل سپرده‌ها را دارد. ماده ۴ که از فکر وکالت مندرج در تبصره ماده ۳ بازگشت کرده است، می‌بایست الزامی بودن این تعهد را مورد تصریح قرار می‌داد.

### بیمه سپرده‌ها

ماده ۴ همچنین اختیار بیمه کردن اصل سپرده‌های مدت‌دار را به بانکها داده است. فکر بیمه کردن سپرده‌ها در این ماده به روشنی برای دادن اطمینان به سپرده‌گذاران است. صرفنظر از اینکه بیمه سپرده‌ها مانند تعهد بانک در این ماده اختیاری دانسته شده است، اصولاً می‌توان گفت بیمه سپرده نمی‌تواند جایگزین کافی برای تعهد قراردادی بانک به بازپرداخت اصل سپرده باشد. بانک در واقع مسئولیت و تعهد خود در برابر سپرده‌گذاران را بیمه می‌کند و تعهد شرکت بیمه یک تضمین اضافی برای سپرده‌گذاران محسوب می‌شود. در کشورهای دیگر نیز بیمه سپرده‌های بانکی برای جلب اطمینان سپرده‌گذاران و حفاظت از سیستم بانکی بکار می‌رود. برای نمونه در حقوق آمریکا در پاره‌ای از ایالات قوانینی وجود دارد که بر پایه آنها بانکهای دولتی بر حسب میزان سپرده‌های دریافت شده موظف به مشارکت در صندوق تضمین سپرده‌ها<sup>۳</sup> هستند. هدف از ایجاد این صندوق این است که اگر یکی از بانکها دچار ناتوانی در بازپرداخت گردید از این طریق جبران خسارت سپرده‌گذاران بشود. دادگاههای ایالات، این قوانین را مورد تأیید قرار داده و آن را نوعی اعمال حق برقراری نظم دانسته‌اند.<sup>۴</sup> همچنین موسسه بیمه فدرال سپرده‌ها،<sup>۵</sup> بر پایه قانون فدرال رزرو در ۱۶ ژوئن ۱۹۳۳ تاسیس گردیده است. هدف از ایجاد این موسسه پیشبرد و حفظ اعتماد عمومی مردم به بانکهای دولتی بوده است.

این موسسه در حدود اساسنامه خود سپرده‌های موجود در نزد بانکهای دولتی و بانکهای را

1- American Jurisprudence, V7, no. 464

2- American Jurisprudence, V7, no 486

3- Depositors' Guaranty Fund

4- American Jurisprudence, Banks, no. 20

5- Federal deposit insurance corporation

که عضو سیستم فدرال رزرو هستند و همچنین بانکهای ایالتی که درخواست عضویت در این موسسه را دارند و دارای شرایط مقرر هستند بیمه می‌کند. در صورتی که بانکی ورشکست شود، ادعای هر سپرده‌گذار تا مبلغ یکصد هزار دلار فوراً و به محض تأیید حق سپرده‌گذار بر اینکه حق دریافت چنین مبلغی را از بیمه دارد پرداخت می‌شود.<sup>۱</sup>

با در نظر گرفتن این سابقه هرگاه در کشور ما نیز روش بیمه سپرده‌های بانکی به مورد اجرا گذارده شود، باید تعهد شرکت بیمه جدا و مستقل از تعهد بانک به بازپرداخت اصل سپرده‌ها دانسته شود و نه جایگزین آن. بنابراین تعهد شرکت بیمه رافع مسئولیت بانک به بازپرداخت سپرده نیست و بر همین پایه سپرده‌گذار حق طرح دعوی برای استرداد سپرده خود را علیه بانک حتی اگر بانک صریحاً چنین تعهدی را نکرده باشد در اختیار خواهد داشت.

### نوشتار ششم - شیوه محاسبه بهره

یکی از اصول پذیرفته شده در نظام بانکداری، تعیین بهره برای سپرده‌هاست. نرخ بهره خواه از سوی قانون و یا قرارداد تعیین شود، همیشه باید دارای درصد ثابت و مشخصی از سپرده باشد تا در محاسبه و پرداخت آن، طرفین دچار هیچگونه دشواری و اختلاف نشده و تعهدات آنان روشن باشد. اینک باید ببینیم قانون مورد بحث در زمینه تعیین بهره یا سود چه معیاری را در نظر گرفته است.

#### ۱- روش نظری تعیین بهره:

ماده ۵ این قانون در زمینه تقسیم منافع حاصل از عملیات تبصره ماده ۳، روشی را برای محاسبه بهره سپرده‌ها مقرر داشته است. بر طبق این ماده:

«منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ این قانون، بر اساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک و به نسبت مدت و مبلغ درکل وجوه بکارگرفته شده و در این عملیات، تقسیم خواهد شد.»

وکیل شمردن بانک در تبصره ماده ۳ باعث برقرار شدن یک رابطه مستقیم میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان است. برپایه اصول حقوقی، وکیل نماینده موکل است و هیچگونه تعهدی را نمی‌پذیرد و از نتایج قرارداد هم هیچ سودی نمی‌برد. نظریه وکالت، بر خلاف این واقعیت است که بانک در برابر سپرده‌گذاران اصیل می‌باشد و در برابر وام‌گیرندگان نیز اصالتاً عمل می‌کند. برقرار ساختن هرگونه رابطه‌ای میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان به دلالی که پیش از این گفتیم، نادرست و برخلاف واقعیت‌های روشن حقوقی است. غیر از اینکه این ماده نقش بانک را به عنوان

طرف اصیل در این قراردادها نادیده گرفته است، برای محاسبه بهره سپرده‌ها که از آن به تقسیم منافع یاد شده است به عواملی دست یازیده که در جای خود مبهم و غیر قابل تعیین است. این عوامل عبارتند از:

#### الف - قرارداد

منظور از قرارداد چیست. در قرارداد سپرده‌گذاری چه نکاتی پیش‌بینی می‌شود. اگر رقم سپرده، بهره و مدت تعیین نشود دیگر چه نکته‌ای از آن وجود دارد که بتواند عامل تقسیم منافع باشد؟

#### ب - مدت و مبلغ سپرده

مدت و مبلغ سپرده در هر سپرده‌گذاری، عامل اصلی محاسبه بهره است ولی در موردی که بانک وکیل است چگونه سپرده و مبلغ آن در سود احتمالی حاصله موثر می‌افتد.

#### پ - سهم منابع بانک

اگر قرار باشد سهم دارائیه‌های بانک نیز به مجموع سپرده‌ها افزوده شود و سود حاصله میان آنها تقسیم گردد، یک سپرده‌گذار در قرارداد خود چگونه می‌تواند، سهم دارائیه‌های بانک را تشخیص دهد. بانک چه آگاهی‌هایی از سهم منابع خود که مجموعه گسترده‌ای از دارائیه‌های بانک است در اختیار هر سپرده‌گذار می‌گذارد. آیا سپرده‌گذار باید اظهارات بانک را چشم بسته بپذیرد؟

#### ت - به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه بکار گرفته شده

سپرده‌گذار چگونه می‌تواند از کل وجوه سپرده دیگران و مدت‌های گوناگون آنها کسب اطلاع کند. آیا بانک اطلاعاتی به سپرده‌گذار می‌دهد؟ آیا بانک می‌تواند خود چنین اطلاعاتی را همه روزه در دسترس داشته باشد و یا در صورت درخواست در اختیار هزاران تن از سپرده‌گذاران قرار دهد؟

#### ث - در این عملیات

منظور از این عملیات، انواع قراردادهایی است که بانک به وکالت سپرده‌گذاران با وام-گیرندگان در پوشش عناوین مذکور در تبصره ماده ۳ امضاء می‌کند. سپرده‌گذاران چگونه می‌توانند از این قراردادها و چند و چون آن آگاهی بدست آورند. آیا بانک چنین اطلاعاتی را به سپرده‌گذاران می‌دهد و یا سپرده‌گذار موظف است به بانک اعتماد کند؟

و سرانجام با در نظر گرفتن این واقعیت که هریک از بانکهای بازرگانی مهم کشور ما، دهها هزار سپرده‌گذار و هزاران وام‌گیرنده در سراسر کشور دارند، چگونه می‌توان تصور کرد یک بانک بتواند این فرمول تاریک و نامفهوم را در باره این گروه انبوه سپرده‌گذار که هر یک وضعیتی ویژه خود دارد به مورد اجرا گذارد. مشکل این فرمول تنها در پیچیدگی عوامل و معیارهای تقسیم منافع نیست. این شیوه محاسبه سود چنان از هم گسیخته و ناپخته است که هیچ رایانه‌ای نخواهد



توانست بر پایه آن بهره یا سود را محاسبه نماید و باری از دوش بانکها و سپرده‌گذاران بردارد. در این شرایط این پرسش بوجود می‌آید که اصولاً چه لزومی داشته است چنین قانونی وضع شود که حتی از جهت نظری نتواند به یک راه حل قابل درک برای یک خواننده عادی برسد. اشکال کار از آنجا آغاز شده است که نویسندگان این قانون، تسلیم فکر وکالت بانک از سپرده‌گذاران شده و سپس در زمینه تعیین بهره یا سود دچار چنین تنگنایی گردیده‌اند.

## ۲- روش عملی تعیین شده

از آنجا که روش محاسبه بهره سپرده‌ها به گونه‌ای که در ماده ۵ این قانون پیش‌بینی شده بود نمی‌توانست راه‌گشا باشد و بانک نیز ناگزیر از پرداخت بهره به سپرده‌گذاران است، بنابر این با حفظ ظاهر این قانون، روش دیگری برای تعیین بهره و گره‌گشایی کار بانکها و سپرده‌گذاران در پیش گرفته شد. با تصویب این قانون، بانکها دیگر نمی‌توانستند در قرارداد سپرده‌گذاری، رقم صریحی را در زمینه بهره به سپرده‌گذاران پیشنهاد کنند.<sup>۱</sup> فکر وکالت ایجاب می‌کرد که سپرده‌گذاران پول خود را به بانک تحویل دهند و بانک وجوه سپرده را در عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ بکار اندازد و پس از گذشتن مدت زمانی، بانک به محاسبه سود و زیان احتمالی بپردازد. همچنین بانکها ناگزیر شدند با صدور بخشنامه‌هایی به سپرده‌گذارانی که بموجب قوانین قبلی سپرده‌های خود را در حسابهای پس‌انداز بهره‌دار در اختیار بانکها گذارده بودند اعلام کنند. از آغاز سال ۱۳۶۳ اگر سپرده‌گذار خواهان دریافت سود است باید با مراجعه به بانک، سپرده خود را در قالب سپرده‌گذاری مدت‌دار تغییر نام داده و در انتظار اجرای ماده ۵ قانون مورد بحث باقی بماند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب از همان آغاز اجرای این قانون، نظام بانکی کشور در پرده‌ای از ابهام و بلا تکلیفی بیشتر قرار گرفت. فکر وکالت بانک از سپرده‌گذاران بر روی سپرده‌ها سایه افکند و تضمین اصل سپرده‌ها از سوی بانک روشن نبود. حذف بهره و وعده سود احتمالی نیز نمی‌توانست پاسخگوی انتظارات مشروع سپرده‌گذاران باشد. بنابر این وسوسه بیرون کشیدن سپرده‌ها از بانک در ذهن بسیاری از مردم مطرح گردید. ماده ۵ قانون مورد بحث، مدت زمانی را برای محاسبه منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ پیش‌بینی نکرده است. بنابر این بانک

۱- عنوان بهره بانکی سپرده‌ها پس از انقلاب در یک اقدام عوام‌فریبانه از سوی وزیر دارایی وقت (بنی صدر) به موجب بخشنامه ۱۳۵۸/۹/۲۸ شورای پول و اعتبار حذف گردید و چیزی به نام «حداقل سود تضمین شده» با رقم ۸/۵ درصد جایگزین آن گردید که چیزی جز بهره نبود.

۲- بسیاری از مردم به دلیل عدم حضور در ایران و یا به دلایل دیگر نتوانستند با مراجعه به بانکها سپرده‌های خود را در قالب سپرده‌گذاری مدت‌دار در آورند و پس از سالها که به بانک مراجعه می‌کردند بانکها تنها اصل سپرده آنان را که دچار کاهش شدید ارزش شده بود پرداخت کرده و هیچ بهره‌ای برای این سپرده‌ها در نظر نمی‌گرفتند. عدم پرداخت بهره این سپرده‌ها، نقض حقوق قراردادی سپرده‌گذاران و یک دین مسلم برای بانکها می‌باشد.